



سجاقک آبی

(توصیف واژه ها ، نثر ادبی ، طنز ، داستاتک)

نویسنده : مریم مقدمی

انتشارات هفتواد

مقدمه، مریم، ۱۳۵۷

سنجاقک آبی (نوصیف واژه‌ها، نثر ادبی، طنز، داستانک) / نویسنده مریم مقدمه، بم: هفتواد، ۱۳۹۰

۴۸ ص ۸-۱۰-۵۱۱۲-۶۰۰-۹۷۸

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا

۱۳۹۰/۱۳۷۴/۳۱

۱۳۹۰/۰۸۹

کتابخانه ملی ایران ۲۶۴۱۵۱۳



نام کتاب : سنجاقک آبی
اثر : مریم مقدمه
ناشر : انتشارات هفتواد
صفحه آرا: زینب چیت ساز
شمارگان : ۱۰۰۰ جلد
قطع: رقعی
نوبت چاپ : اول ۱۳۹۱
قیمت : ۱۵۰۰۰ ریال
شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۵۱۱۲-۱۰-۸

انتشارات هفتواد بم

همراه : ۰۹۱۳۱۴۶۸۸۵۲

فهرست مطالب

۵.....	مقدمه
	فصل اول (توصیف واژه ها)
۶.....	آفرینش
۶.....	طبیعت
۷.....	ترنم
۸.....	اعضا و جوارح
۸.....	توصیف واژه ها
	فصل دوم (طنز)
۱۰.....	خاطرات این دیوانه
۱۱.....	خاطرات آن دیوانه
۱۲.....	آنگلو آنزای خورکی
۱۴.....	یک روز گرم تابستان
۱۵.....	مصاحبه ای با حرص و طمع
۱۶.....	کلاه و موارد استفاده آن در جهان امروز
۱۶.....	انواع خوراکیها و موارد استفاده آن در جهان امروز
۱۸.....	جریان
	فصل سوم (داستانک)
۱۹.....	تصویری از زندگی
۲۰.....	بی تفصیر
۲۱.....	دست و دلباز
۲۲.....	سانیا
۲۳.....	چشم به راه
۲۴.....	از دست تو

۲۵.....	تقدیر
۲۶.....	باوفا
۲۷.....	شکرانه
۲۸.....	پیرمرد درویش

فصل چهارم (پرواز در آسمان خیال)

۲۹.....	باهتر
۳۰.....	شور زندگی
۳۱.....	خالق هنرمند
۳۲.....	چشم های پاک شبنم
۳۳.....	گوش جان
۳۴.....	مراوت
۳۵.....	انتظار منتظر
۳۶.....	نوید
۳۷.....	هدیه آسمان
۳۸.....	پیام قاصدک ها
۳۹.....	گندم های طلایی
۴۰.....	غذای روح
۴۱.....	چشم دل
۴۲.....	آسمان زیبای خیال
۴۲.....	طلب
۴۳.....	قدمهای پاک باران
۴۴.....	وادی نور
۴۵.....	آیات خدا
۴۵.....	حس پاک احساس
۴۶.....	آزمون اخلاص
۴۶.....	باران
۴۷.....	سرزمین دلخواه من
۴۷.....	در فراق خورشید
۴۸.....	گلهای باغچه

مقدمه

وقتی ۱۲ ساله بودم اولین داستانم را با موضوع فداکاری به رشته تحریر در آوردم که بسیار مورد تشویق معلم انشاء قرار گرفت این تشویق بهانه ای شد تا به نوشتن ادامه دهم.

وقتی دبیرستان را تمام کردم و وارد دانشگاه شدم شروع به نوشتن طنز کردم. پس از آن بعثت مشغله درس و دانشگاه، به ناچار نویسندگی را کنار گذاشتم.

وقتی در سال ۱۳۸۲ زلزله و خرابی بم روی داد و در پی آن پدر و برادرم رخ در نقاب خاک کشیدند حس کردم برای آرام کردن قلب و روحم دوباره به نویسندگی روی آورم.

و در سال ۸۸ کار نویی به نام توصیف وادها ارائه دادم که مدتی در نشریات محلی بم به چاپ رسید.

تا این که به تشویق مادرم که سالیانی در کسوت معلمی به سر برده بر آن شدم تا اثری هر چند ناچیز از خودم بجا گذارم و ما حاصل کارم کتابی شد که پیش رو دارید.

لازم به ذکر است که دامنه وازه ها به حدی گسترده است که به صداق سخن ملای

روم: آب دریا اگر نتوان کشید هم به قدر شناسی باید چشید

امید که مفید فایده باشد...

من این حروف نوشتم چنانکه غیر ندانست

تو هم ز روی کرامت چنان بخوان که تو دانی

فصل اول

آفرینش

اکسیرن : تضمین زندگی

آسمان : سقفی که خداوند بخشنده بدون منت بالای سرمان قرار داده است.

آب : تا ابد شونده روی ماه امام حسین (ع)

باران : قطره های باران مرواریدهای درخشانی هستند که از صدف آسمان به ما ارزانی می شوند

برف : مروارید سپیدی از طرف آسمان که عاقبت در صدف زمین جای می گیرد

پدر : اسوه استواری

مادر : شکیبایی و مهر

شاپرک : همدم و همنشین گل

قاصدک : زیبای سپید ؛ خوش خیر برای چشم انتظاران

سنجاقک آبی : هلی کوتبری با بدنه ی آبی و بالهای سپید

خورشید : فروزان زندگی بخش

ماه : چراغی آسمانی

طبیعت

بهار : طبیعت در این فصل بهترین و قشنگترین لباسش را می پوشد .

تابستان : طبیعت در این فصل با میوه های متنوع و رنگارنگ بسیاری از ما بایرایی می کند.

پائیز : طبیعت در این فصل لباس رنگارنگش را در استقبال از نو گلان طلب علم و دانش

می پوشد .

زمستان : لباس سپیدی که طبیعت هنگام خواب و استراحتش می پوشد .